

Analyzing I.R. Iran's nuclear policy change in Rouhani's Administration (2013-2015)

Elham RasooliSaniabadi*

Received: 2019/11/12

Accepted: 2019/12/10

As President Hasan Rouhani took office in August, 2013, the new foreign policy decision makers got into power and the “moderation discourse” prevailed as the main approach of Rouhani's administration towards the world. One of the major issues of foreign policy of this term was making some changes in nuclear policy, the most important sign of which was the attainment of a nuclear deal between I.R. Iran and the world super powers under the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) on July 14, 2015. This paper addresses the main effective perceptual changes which have affected I.R. Iran's nuclear policy changes. Such perceptual changes include different perceptions of the national role and the creation of a new self-image regarding I.R. Iran's desirable status, different perceptions of structural constraints including nuclear sanctions and ultimately a different representation of “other” especially the United States. These perceptual changes of new decision makers affected the management of the nuclear policy from “deterrent confrontation” to “constructive interaction”. This paper is a descriptive-analytical research; and the author uses “Interpretive Individualism Theory” (IIT) to analyze the data.

Keywords: Constructive interaction, Deterrent confrontation, Eleventh government, Foreign policy, Hasan Rouhani, Interpretive individualism, I.R. Iran, JCOPA, Moderation discourse, Nuclear policy, Perceptions, United State of America.

* Associate Professor of Political Science at Department of Law and Political Science, Yazd University, Yazd, I.R.Iran. rasooli@yazd.ac.ir

تجزیه و تحلیل تغییر در سیاست هسته‌ای دولت یازدهم از منظر فردگرایی تفسیری (۱۳۹۲-۱۳۹۴)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹

مقاله برای بازنگری به مدت ۶ روز نزد نویسنده بوده است.

الهام رسولی ثانی آبادی*

چکیده

مسئله هسته‌ای یکی از مهم‌ترین موضوعات منازعه‌آمیز در سیاست خارجی ایران در چندین سال گذشته بوده است. با شروع دوره ریاست جمهوری حسن روحانی در مرداد ماه ۱۳۹۲ همراه با حاکم شدن «گفتمان اعتدال» و روی کار آمدن نخبگان جدید، چگونگی حل این مسئله نیز تحت تأثیر قرار گرفت که نتیجه آن حصول توافق هسته‌ای در ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) بود. سؤال اصلی این پژوهش آن است که چرا در این دوره از میان گزینه‌های گوناگون، «مذاکره جدی» برای نیل به توافق، توسط نخبگان تصمیم‌گیرنده، انتخاب شده است؟ در پاسخ به این سؤال این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از چارچوب مفهومی «فردگرایی تفسیری» به بررسی تغییرات ادراکی مؤثر در تغییر سیاست هسته‌ای ایران در این دوره پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تغییرات ناشی از برداشت متفاوت نخبگان تصمیم‌گیرنده از نقش ملی و ایجاد روایت جدید در ارتباط با منزلت مطلوب جمهوری اسلامی ایران، ادراکات متفاوت از عوامل ساختاری و بازنمایی متفاوت از «دیگری غرب»، منجر به امکان‌پذیری این تغییر در سیاست هسته‌ای دولت یازدهم از «تقابل بازدارنده» به «تعامل سازنده»، شده است.

واژگان کلیدی: ادراک، ایالات متحده آمریکا، برجام، تقابل بازدارنده، جمهوری اسلامی ایران، تعامل سازنده، حسن روحانی، دولت یازدهم، سیاست خارجی، سیاست هسته‌ای، فردگرایی تفسیری، مذاکره، غرب.

مقدمه

بیان مسئله: موضوع «انرژی هسته‌ای» از جمله مسائل مهم در سیاست خارجی ایران به شمار می‌آید که در دولت آقای روحانی در قالب امضای برجام، در خصوص آن تصمیم‌گیری شد. با این حال شاهد طرح موضوعات متعددی در خصوص این تصمیم راهبردی هستیم که در نوشتار حاضر یکی از این مسائل که ناظر به چرایی رسیدن به این تصمیم راهبردی باشد؛ به بحث گذارده شده است.

اهمیت: پژوهش حاضر از آن حیث که به شناخت اصول و مبانی سیاست خارجی دولت یازدهم و همچنین تبیین برداشت ایشان از اصول رفتاری بازیگران غربی، کمک می‌کند؛ دارای اهمیت نظری و تحلیلی است.

ضرورت: در صورت عدم درک کافی از تأثیراتی که تغییرات ادراکی نخبگان جدید تصمیم‌گیرنده در حل مسائل سیاست خارجی هر کشوری داشته دارد؛ سیاست‌گذاران نمی‌توانند سیاست‌ها و رویه‌های موجود و همچنین پیش‌بینی سیاست‌ها در آینده را درک و تحلیل نمایند. بر این اساس این پژوهش دارای ضرورت کاربردی است.

اهداف: هدف اصلی این مقاله کمک به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان برای آسیب‌شناسی و تقویت تصمیم‌ها در آینده است. افزون بر آن تقویت ابعاد علمی - تحلیلی تصمیم‌گیری‌های راهبردی و معرفی دیدگاه‌های بدیل، به عنوان اهداف فرعی مدنظر می‌باشد. **سؤال‌ها:** چرا دولت آقای روحانی از میان گزینه‌های گوناگون، راه‌حل «مذاکره جدی» را برای مدیریت مسئله هسته‌ای ایران انتخاب نموده، به عنوان سؤال اصلی مطرح است. افزون بر این پرسش از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های خارجی و چگونگی تأثیرگذاری آنها در سیاست خارجی ایران، به عنوان سؤال‌های فرعی مطرح شده‌اند.

روش پژوهش: تحقیق حاضر از نوع بنیادی بوده و رویکرد محقق توصیفی - تحلیلی است. به همین خاطر نظریه انتخاب شده برای تحلیل بسیار مهم است. در این پژوهش از نظریه «فردگرایی تفسیری» استفاده شده است. این نظریه بر محور شناخت و تحلیل «ادراک» سیاست‌گذاران اصلی تأکید دارد. محقق برای این منظور سه مؤلفه اساسی را مورد بررسی قرار داده است: برداشت تصمیم‌گیرنده از «خود»، برداشت از «دیگری» و برداشت از «عوامل محیطی». محقق داده‌های مربوط به موضوع را در این سه حوزه تحلیل

نموده و در نهایت به روایتی جدید از رفتار سیاست خارجی دولت اعتدال در موضوع هسته‌ای رسیده است.

۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با سیاست هسته‌ای ایران، منابع متعددی منتشر شده است. از منظر پژوهش حاضر می‌توان آنها را به پنج گروه اصلی تقسیم نمود:

۱-۱. تحلیل در سطح کلان

در این نوع از آثار از منظر سطح تحلیل کلان (نگاه بیرون به درون) و با تکیه بر عوامل ساختاری به نتایج توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و غرب پرداخته شده است. این دسته از آثار تمرکزشان بر نتایج و برون‌دادهای محیطی حاصل از توافق است. برای مثال برخی به نقش محوری آمریکا در این زمینه پرداخته‌اند (Kerr and Katzman, 2018). خلیلی (۱۳۹۵) نیز با محور قرار دادن رویکرد استراتژیک در پی پاسخ به این سؤال است که برجام چه تأثیرات ساختاری بر روابط جمهوری اسلامی ایران با دنیای بیرون داشته است.

۲-۱. تحلیل حقوقی برجام

برخی نویسندگان به بررسی نتایج حقوقی توافق هسته‌ای برای طرفین این توافق پرداخته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به آماری اشاره داشت که بر حقوق و تعهدات ایجاد شده برای دو طرف مذاکره بر پایه برجام تأکید کرده‌اند و این مسئله را از منظر حقوقی و قانونی مورد بررسی قرار داده‌اند (Hannay and Pickering, 2017). طباطبایی (Tabatabai, 2017) به بررسی نقاط قوت و ضعف این توافق برای دو طرف غربی و ایرانی به لحاظ حقوقی و سیاسی پرداخته است و در پایان نیز یک سری پیشنهادات سیاست‌گذارانه برای غربی‌ها در راستای کنترل هرچه بیشتر ایران در عرصه توانمندسازی هسته‌ای ارائه می‌دهد. دلخوش (۱۳۹۶) در مقاله خود به لحاظ اصول حقوق بین‌الملل به بررسی ماهیت توافق و همچنین آثار حقوقی خروج آمریکا از این توافق می‌پردازد.

۳-۱. تحلیل حقوقی خروج آمریکا از برجام

در این آثار، پرسش اصلی چرایی خروج آمریکا از برجام و نتایج ناشی از آن است. این مطالعات با پژوهش حاضر به لحاظ موضوعی متفاوت هستند. به عنوان مثال زمانی و نیاکویی (۱۳۹۸) در مقاله خود به بررسی عوامل داخلی و بین‌المللی پرداخته‌اند.

۴-۱. تحلیل برجام ذیل مفهوم خلع سلاح

گروه چهارم آثار را می‌توان ذیل آثار مربوط به خلع سلاح طبقه‌بندی کرد؛ آثاری که به تأثیرات توافق هسته‌ای بر روند خلع سلاح در خاورمیانه و واکنش سایر دولت‌های این منطقه به این روند، می‌پردازد (برای نمونه بنگرید به: Einhorn and Nephew, 2016).

۵-۱. تحلیل در سطح خرد

موسوی‌نیا (۱۳۹۷) مانند مقاله حاضر از منظر سطح تحلیل خرد به موضوع توافق هسته‌ای پرداخته است اما مهم‌ترین تفاوت این مقاله با مقاله حاضر استفاده نویسنده از روش ترکیبی (امکان ترکیب روش کمی و کیفی) در پژوهش‌های علوم انسانی و استفاده از این روش در فهم تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران پیرامون برجام است. پوراحمدی و بازوبندی (۱۳۹۷) بر اساس رهیافت ترکیبی که اسم آن را بازی دو سطحی گذارده‌اند بر این باورند ترکیب دو عامل از جمله فشار ناشی از تحریم‌ها و همچنین درک غرب از این نکته که نمی‌تواند از طریق فشارهای اقتصادی مانع برنامه هسته‌ای ایران شود، باعث شکل‌گیری توافق هسته‌ای شده است. در این مقاله هیچ اشاره‌ای به نقش برداشت‌ها و باورهای تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی نمی‌شود. در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که مقاله حاضر از حیث رویکرد روشی از منابع موجود متمایز بوده و از آنجا که رویکرد تحلیلی آن کلان‌نگر است، مکمل آثار پیشین به شمار می‌آید.

۲. مبانی مفهومی و نظری سیاست خارجی

سیاست خارجی یکی از حوزه‌های مهم روابط بین‌الملل می‌باشد که در تعریف شامل دو عنصر اهداف ملی و ابزار به دست آوردن این اهداف می‌شود (Coulombis and Wolfe, 1990, p. 11). تحلیلگران معمولاً میان سیاست خارجی و رفتار سیاست

خارجی تمایز قائل می‌شوند. از این منظر سیاست خارجی راهبرد انتخاب شده یک دولت برای نیل به اهداف خود در روابط با واحدهای دنیای بیرونی است که این شامل تصمیم برای هیچ کاری نکردن هم می‌شود، اما رفتار سیاست خارجی عبارت است از ساخت‌های قابل مشاهده سیاست خارجی، کنش‌ها و واژه‌های خاصی که برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران در قلمرو سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود (Hudson, 2012, p. 14). در همین ارتباط مطالعات تحلیل سیاست خارجی به معنای بررسی اقدامات یک دولت و شرایط مؤثر داخلی در تعیین اقدامات مزبور در قبال محیط خارج می‌باشد، در این مطالعات انتخاب‌های سیاسی افراد و تعریف آنها از موقعیت نقطه تمرکز است (Foyle, 2003, p. 164). یکی از رهیافت‌های مهم تجزیه و تحلیل سیاست خارجی رهیافت فردگرایی تفسیری مبتنی بر نظریه‌های ادراکی است که در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی بر ادراک و شناخت^۱ نخبگان تصمیم‌گیرنده از محیط و نقش باورها و نظام اعتقادی آنها در انتخابات و تصمیمات سیاست خارجی تأکید می‌کند (Carlsnaes, 1992, p. 249). مهم‌ترین مفاهیم مورد تأکید در رهیافت فردگرایی تفسیری را می‌توان این گونه برشمرد:

۲-۱. تأکید بر «نقشه شناختی»^۲ و «تصویر از خود»

نقشه ادراکی به معنای نموداری است که در آن روابط علی که شخص تصمیم‌گیرنده میان پدیده‌ها و رویدادها فرض می‌کند، نشان داده می‌شود (Axelrod, 1976). تصویر از خود نیز به معنای درک افراد از خود در هر لحظه از زمان می‌باشد، این مفهوم به این امر اشاره دارد که معمولاً در فضای سیاسی و گفتمانی هر دولتی در یک برهه زمانی خاص و با روی کار آمدن نخبگان جدید در عرصه سیاست داخلی و خارجی تصویر از خودهای خاصی از میان تصویرهای رقیب غالب می‌شود و در آن برهه زمانی مشخص تبدیل به بخشی از هویت ملی آن کشور می‌گردد (Clunan, 2009, p. 29). این تصاویر از خود مجموعه‌ای از ایده‌های توصیفی، تجویزی و ارزیابی‌کننده درباره مقاصد سیاسی و منزلت دولت ملت پدید می‌آورند، منزلت شامل ایده‌هایی درباره وضعیت مطلوب و ترسیم جایگاه شایسته برای دولت در نظام بین‌الملل می‌باشد اینکه کنشگر سیاست خارجی عزت نفس ملی^۳ را چگونه تعریف می‌نماید. اینکه طبق این تصویر در چه

گروهی از کشورها قرار دارند و بایستی به کدام گروه وارد شوند؟ پاسخ به این سؤال‌ها است که نشان می‌دهد آیا دولت مورد مطالعه یک کنشگر در جست‌وجوی امنیت^۴ است و یا یک دولت حافظ وضع موجود؟^۵ در این میان ارزیابی از اقدامات گذشته و نتایج سیاسی و عملی هر یک از «روایت‌های از خود» که غالباً در رقابت با یکدیگر نیز بسر می‌برند، نقش کلیدی در پذیرش و یا رد «روایت از خود» جدید دارند (Noori, 2012).

۲-۲. تأکید بر «پیچیدگی مفهومی»^۶

در رهیافت فردگرایی تفسیری پیچیدگی مفهومی به این معنا است که نخبگانی که ذهنشان از پیچیدگی مفهومی بیشتری برخوردار است، دارای برداشت تک بُعدی و ساده نسبت به تحولات بیرونی و سایر کنشگران نبوده و تمایل بیشتری دارند تا در حل و فصل مسائل از تعارض و درگیری دوری کرده و به شیوه‌های مسالمت‌آمیز روی آورند (Foster and Keller, 2014).

۲-۳. تأکید بر مفهوم «امنیت هستی‌شناسانه»^۷

این مفهوم ناظر بر تعقیب نیازهای هویتی توسط کنشگر است که متضمن فهرستی از گزینه‌های اقدام می‌باشد. ونت امنیت وجودی را یکی از پنج نیاز مادی می‌داند که همه کنشگران خواهان آن هستند (Wendt, 1999, p. 131). در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی با تکیه بر مفهوم امنیت هویتی بر این نکته تأکید می‌شود که نخبگان سیاست خارجی از طریق کدام یک از کنش‌های اجتماعی (کنش‌های ناشی از منافع شامل کنش‌های تعارضی و یا همکاری‌جویانه و یا کنش‌های ناشی از شرافت شامل کنش‌های اخلاقی) در صدد رفع نیازهای هویتی دولت متبوع خود هستند؟ آیا روایت‌های گفته شده توسط سایر کنشگران را بازتاب روایت بیوگرافیک و یا روایت مطلوب از خود تلقی می‌کنند یا خیر؟ آیا تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی در انتخاب گزینه‌های پیش رو امنیت هستی‌شناسانه را در تطابق با حفظ امنیت فیزیکی دولت خود تعریف می‌کنند و یا حفظ امنیت هستی‌شناسانه برایشان از حفظ امنیت فیزیکی مهم‌تر است؟ (Mitzen, 2006).

۲-۴. تأکید بر «بازنمایی‌ها»

تأکید بر «چگونگی بازنمایی‌های» مربوط به انتخاب‌های سیاست خارجی توسط نخبگان

تصمیم‌گیرنده، چهارمین رکن این رویکرد را شکل می‌دهد. به این معنا که نخبگان چگونه به بازنمایی خاصی از یک رویداد و یا تصمیم سیاست خارجی می‌پردازند که منجر به معنادار شدن، مشروعیت و یا امکان‌پذیر شدن آن نزد مخاطب می‌شود (Hansen, 2012).

۲-۵. تأکید بر «فرایند شناختی»^۸

در این زمینه می‌توان به نظریات جرویس اشاره کرد که در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی با تأکید بر مفاهیم «ادراکات و سوءادراکات»^۹ نقش باورهای افراد تصمیم‌گیرنده را مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است باور امری کاملاً نهادینه شده در افراد است که می‌توان از آن در پیش‌بینی رفتارهای تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی استفاده کرد. جرویس معتقد است که باورها می‌توانند دارای دو جنبه علی و کارکردی باشند، به این معنا که علاوه بر آنکه می‌توانند باعث به وجود آمدن رفتارهای خاص از سوی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی شوند (جنبه علی باور) می‌توانند در توجیهات اقدامات سیاست خارجی از سوی آنها نیز مورد استفاده قرار گیرند (جنبه کارکردی باور) (Jervis, 1976).

با تأمل در مؤلفه‌های پنجگانه بیان شده و از طریق ادغام موارد مشابه می‌توان چنین اظهار داشت که تحلیل سیاست خارجی از منظر فردگرایی تفسیری، در قالب سه رکن اصلی صورت می‌گیرد: تغییر در برداشت از نقش و منزلت ملی، تغییر در درک از شرایط و محدودیت‌های محیطی، تغییر در نحوه بازنمایی دیگری.

شکل شماره (۱): الگوی تحلیل سیاست خارجی بر اساس رویکرد فردگرایی تفسیری



منبع: (طراحی توسط نویسنده)

۳. مؤلفه‌های تحلیلی سیاست عملی دولت یازدهم (بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴)

با عنایت به ارکان سه‌گانه بیان شده، حال می‌توان رفتار سیاست خارجی دولت یازدهم را در سه بخش اصلی به شرح زیر، تحلیل نمود:

۱-۳. تغییرات ادراکی نخبگان تصمیم‌گیرنده از نقش ملی

منظور از تغییر در برداشت از نقش ملی همان تغییر در هویت مبتنی بر نقش است. این نوع از هویت نه بر پایه خصوصیات ذاتی کنشگر بلکه در ارتباط با دیگر بازیگران شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. این هویت مربوط به نقشی است که یک دولت برای خود در ارتباط با دیگر بازیگران نظام بین‌الملل تعریف می‌کند. بر این اساس برداشت نخبگان تصمیم‌گیرنده از نقش ملی کشورشان در مواجهه با دنیای بیرون تأثیر بسیار مهمی بر انتخاب‌های سیاست خارجی آنها دارد (Holsti, 1970, p. 239). با توجه به این مؤلفه، تغییر در سیاست هسته‌ای ایران در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی را می‌توان بر اساس تغییر در تعریف از هویت مبتنی بر نقش این دولت در نظام بین‌الملل از یک دولت «عدالت‌طلب» و «مخالف وضع موجود» به یک دولت «تعامل‌گرا و همکاری‌جو» و «موافق نظم موجود» در نظر گرفت در همین زمینه رییس‌جمهور روحانی در شصت‌وهشتمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در مهرماه ۱۳۹۲ صراحتاً بیان می‌کند: «ایران به دنبال راه‌حل مسائل و نه تولید

مشکلات است. هیچ پرونده و موضوعی نیست که با امید و اعتدال، با احترام متقابل و با نفی خشونت و افراط قابل حل نباشد... ایران به دنبال تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورهاست و در این چارچوب در پی افزایش تنش با ایالات متحده آمریکا نیز نیست» (روحانی، ۱۳۹۲/۰۶/۰۲).

تغییر در برداشت از نقش ملی شامل تغییر در درک از منزلت مطلوب برای ایران در نظام بین‌الملل و همچنین حاکم شدن «تصویر از خود» جدید در گفتمان سیاست خارجی توسط نخبگان جدید تصمیم‌گیرنده نیز می‌باشد. منزلت شامل ایده‌هایی درباره جایگاه یک کشور در نظام سلسله‌مراتبی سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی بین‌الملل است. ایده‌هایی درباره نقش خود و وضعیت مطلوب و این که جایگاه شایسته و مطلوب برای یک کشور در نظام بین‌الملل چگونه تعریف می‌شود؟ (Cast and Burke, 2002). بنابراین در روایت از خود، جدید ایران به عنوان دولتی تجدیدنظرطلب در نظر گرفته نمی‌شود که در حوزه هسته‌ای از طریق روال‌های تجدیدنظرطلبانه و تقابلی با دنیای غرب بخواهد عزت و استقلال خود را حفظ نماید؛ بلکه به عنوان دولتی حافظ وضع موجود در نظر گرفته می‌شود که از طریق روال‌های انطباق‌گرایانه در صدد است تا منزلت خود را به عنوان دولتی «متمدن، مسئولیت‌پذیر و بهنجار» معرفی نماید، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ارتباط برقرار کردن با مخاطب موسوم به «دیپلماسی توییتری» و یا «دیپلماسی مجازی»، بیان مواضع رسمی ایران در حوزه هسته‌ای از طریق یادداشت در نشریات غربی و یا تعدد سفرهای دیپلماتیک به کشورهای اروپایی توسط نخبگان جدید تصمیم‌گیرنده در این حوزه قابل بررسی است.

در برداشت جدید منزلت ایران و همچنین «عزت نفس» این دولت که به معنای ارزیابی مثبت از «خود اجتماعی» است (Gecas, 1982)، از طریق مؤلفه‌های «گفتمان اعتدال» حفظ می‌شود که مهم‌ترین مشخصه‌های آن عبارت است از: «پرهیز از افراط در سیاست خارجی»، «تعامل سازنده با جهان بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک»، «تنش‌زدایی و اعتمادسازی متقابل»، «واقع‌گرایی به جای آرمان‌گرایی» و تأکید بر «دیپلماسی برد - برد». ظریف وزیر امور خارجه در توضیح سیاست جدید بیان می‌کند که «گفتمان اعتدال» در سیاست خارجی به منزله حرکت واقع‌بینانه، خودباورانه و هوشمندانه از تقابل به گفت‌وگو و تفاهم به منظور ارتقا جایگاه منزلت امنیت و توسعه

کشور می‌باشد (ظریف، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵). بنابراین مطابق با برداشت جدید از نقش و منزلت تعریف شده برای ایران به عنوان یک دولت بهنجار و معتدل، تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی برای رسیدن به منزلت مطلوب از استراتژی «تحرک اجتماعی» استفاده می‌کنند. تحرک هنگامی است که دولت منزلت فعلی خود را نامطلوب می‌شمارد و تلاش می‌کند به گروهی دیگر با منزلتی بالاتر ملحق شود. از دید نخبگان و سیاست‌گذاران دولت روحانی منزلت تعریف شده برای ایران به عنوان دولتی «تجدیدنظر و نابهنجار» منزلتی نامطلوب به شمار آمده و منجر به پدیده ایران‌هراسی و در انزوا قرار دادن ایران، توسط قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل شده است که بایستی از طریق تعامل و اقدامات اعتمادساز برطرف شود. در همین زمینه ظریف در مصاحبه تلویزیونی خود بیان می‌کند که در دولت جدید اهداف سیاست خارجی ایران از طریق یک صدای متفاوت و زبانی نرم به دنیا بیان می‌شود که هدف اصلی آن بهبود تصویر ایران و معرفی تصویر صحیح از این کشور است (Zarif, 2013).

۲-۳. ادراکات متفاوت از عوامل و شرایط محیطی

برای شناخت واکنش‌های یک کشور بایستی فرایند شناختی تصمیم‌گیرندگان آن کشور از عوامل محیطی را مورد توجه قرار دهیم چرا که عوامل ساختاری بدون توجه به فرایند شناختی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی هیچ‌گونه اثر مستقل و تعیین‌کننده‌ای ندارند و تأثیر آنها منوط به چگونگی خوانش آنها در ذهن و سیستم باورهای تصمیم‌گیرندگان است، این درحالی است که عوامل معنایی به دلیل ذات کیفی و غیرقابل مشاهداتی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (Gustavson, 1999, p. 43). بنابراین برداشت متفاوت نخبگان جدید تصمیم‌گیرنده در دوره ریاست جمهوری روحانی از عوامل و شرایط محیطی دومین حوزه‌ای است که بایستی به آن پرداخته شود. در این حوزه بایستی توجه کرد که از منظر فردگرایی تفسیری فشارهای ساختاری به عنوان عامل علی مستقیم در تغییر رفتار سیاست خارجی ایران در حوزه هسته‌ای در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه آنچه مهم است تغییر در برداشت کارگزاران سیاست خارجی از این عوامل نسبتاً ثابت است که در دوره قبل نیز وجود داشته است.

شکل شماره (۲): مهم‌ترین عوامل محیطی در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران



منبع: (طراحی توسط نویسنده)

مهمترین این عوامل از نظر دولت عبارتند از:

الف. تلاش برای رفع تحریم‌های بین‌المللی در راستای اعمال دیپلماسی اقتصادی
در برداشت جدید نخبگان سیاست خارجی تحریم‌های بین‌المللی در حوزه هسته‌ای به عنوان مهم‌ترین محذورات ساختاری در نظر گرفته می‌شوند که از طریق قطع منابع درآمد خارجی و انزوای سیستم مالی و بانکی ایران موجب شرایط و مشکلات اقتصادی داخلی شده‌اند و پایه‌های اصلی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران یعنی فروش نفت، سیستم بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی به بازارهای جهانی را نشان داده‌اند. بنابراین در برداشت جدید که بر نگاه برون‌نگر در ایجاد توسعه ایران تأکید دارد، تحریم‌ها به عنوان فرصتی برای خوداتکایی کشور درک نمی‌شوند بلکه به عنوان عامل کاهش رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ بالای تورم در نظر گرفته می‌شوند که رفع آنها می‌تواند مقدمه تعامل با اقتصاد جهانی و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهت تحقق دیپلماسی اقتصادی باشد. دیپلماسی اقتصادی به اقدامات رسمی دیپلماتیکی اطلاق می‌شود که بر روی افزایش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارد و هدف آن تأمین منافع اقتصادی کشور از طریق دیپلماسی است (Woolcock and Bayne, 2011). نکته قابل توجه آن که در برداشت جدید تلاش برای رفع تحریم‌ها بایستی از طریق حل و فصل

موضوع هسته‌ای و همچنین تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز با قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا صورت گیرد، در همین زمینه رییس‌جمهور روحانی بر این باور است که تغییر رابطه ایران با نظام بین‌الملل و تلاش دستگاه دیپلماسی کشور به ویژه در حوزه هسته‌ای می‌تواند منجر به کاهش فشارها و هزینه‌های سیاسی اقتصادی سنگین بر کشور شود، بنابراین حل و فصل موضوع هسته‌ای پیش‌شرط رفع تحریم‌ها و رفع تحریم‌ها مقدمه بهبود تصویر ایران در افزایش جذب سرمایه خارجی و جذب گردشگر به عنوان الزامات دیپلماسی اقتصادی موفق مورد نظر دولت روحانی در نظر گرفته می‌شوند.

ب. انطباق با شرایط محیطی از طریق تعامل سازنده

در برداشت جدید سیاست تقابل و عدم انطباق با خواسته‌های محیطی جای خود را به سیاست انطباق با این خواسته‌ها از طریق تعامل با قدرت‌های غربی نظام بین‌الملل، به عنوان گامی مهم در جهت رفع موانع محیطی می‌دهد. به عبارت دیگر در برداشت جدید حل مشکلات اقتصادی داخلی از طریق برطرف نمودن محذوریت‌های محیطی و تعامل با دنیای بیرون بایستی صورت گیرد و «مذاکره در حوزه هسته‌ای» اولین گام برای ایجاد این تعامل در نظر گرفته می‌شود، در همین زمینه رییس‌جمهور روحانی بیان می‌کند که مذاکرات هسته‌ای با قدرت‌های جهانی پله اول برای تعامل سازنده با جهان است، همچنین به بیان وی هیچ‌گاه پیروزی در سایه انزوا به دست نمی‌آید بلکه در سایه تعامل به دست می‌آید تعامل سازنده و توأم با دیپلماسی (گفت‌وگوی روحانی با مردم، ۱۳۹۲/۰۱/۱۴).

پ. توجه و لزوم احترام به قواعد تنظیمی نظام بین‌الملل

در برداشت جدید تأکید بر درک قواعد موجود در نظام بین‌الملل و منطبق کردن رفتار سیاست خارجی با این قواعد است، در همین زمینه حسن روحانی بیان می‌کند که هر کشوری با مشخص کردن فضای کنش خود ناچار از پیگیری رفتار قاعده‌مند در فضای مربوطه مبتنی بر اصول و قواعد بازی همان فضا و محیط در راستای تأمین امنیت خود می‌باشد (روحانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷). ظریف نیز در دیدار خود با اعضای مجلس ایران در این رابطه بیان می‌کند که: «ما بایستی قواعد بازی را بدانیم و با توجه به این قواعد بهترین بازی را انجام دهیم» (ظریف، ۳۱ مرداد ۱۳۹۲).

۳-۳. بازنمایی متفاوت از دیگری

بی‌شک توافق هسته‌ای را بایست محصول تغییرات ادراکی نخبگان جدید تصمیم‌گیرنده ایران نسبت به دیگری به خصوص غرب و آمریکا دانست؛ چرا که تعاریف هویت که بین «خود» و «دیگری» تفکیک ایجاد می‌کند، متضمن تعاریف تهدید و منفعت نیز می‌شود و این تعاریف تأثیرات چشمگیری بر سیاست‌های امنیت ملی یک دولت دارند (Katzenstein, 1996, p.16). در همین زمینه در سیاست خارجی دولت روحانی، غرب به خصوص دولت آمریکا به عنوان دیگری ایران، به گونه‌ای بازنمایی می‌شود که می‌توان با آن به جای تقابل، تعامل کرد. مطابق با این بازنمایی، تأمین امنیت هویتی ایران نیز از طریق کنش‌های اجتماعی همکاری‌جویانه و توسل به روال‌های منعطف در برخورد با دیگری (غرب) و دوری از روال‌های متصل حفظ می‌شود. در همین زمینه رییس‌جمهور روحانی بیان می‌کند:

«یکی از راه‌های ارتقاء قدرت ملی این است که بر سر مسایل سیاسی با دنیا گفتگو کنیم و به تعامل برسیم چرا که قدرت تعامل یکی از مهم‌ترین عناصر قدرت ملی است... اگر امروز ما مذاکره می‌کنیم می‌خواهیم به دنیا بگوییم که ایران نه کنشگری تهدیدگر بلکه کشوری اهل استدلال است» (روحانی، ۱۳۹۴/۰۴/۲۴).

مهمترین مؤلفه‌ای این رویکرد را می‌توان به شرح زیر معرفی نمود:

الف. نگاه متفاوت به آمریکا: در بازنمایی دیگری، دولت آمریکا به عنوان دولتی تصور می‌شود که می‌توان با آن تعامل کرده و در برخی حوزه‌ها از جمله حوزه هسته‌ای به توافق رسید. بنابراین در سیاست جدید تأکید بر مذاکره با دولت آمریکا در چارچوب رویکرد «مدیریت روابط با آمریکا» به جای اروپا به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بهبود روابط با این کشور و حصول به منافع مشترک در نظر گرفته می‌شود. در این زمینه می‌توان به اقدامات عملی و کنش‌های گفتاری از سوی مقامات دولت روحانی اشاره کرد. در زمینه اقدامات عملی می‌توان به مواردی همچون تماس تلفنی ۱۵ دقیقه‌ای رییس‌جمهور روحانی با رییس‌جمهور اوباما در جریان سفر رییس‌جمهوری ایران به نیویورک، مذاکرات مستقیم و دوجانبه با آمریکا در سطح وزرای امور خارجه برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، استفاده از «دیپلماسی کنگره‌ای» توسط محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه در

جهت برقراری روابط دوستانه با اعضای کنگره آمریکا و یا قدم زدن وی با همتای آمریکایی خود جان کری، اشاره کرد. در زمینه کنش‌های گفتاری نیز می‌توان به سخنان رییس‌جمهور روحانی در مصاحبه خود با خبرنگار شبکه سی ان ان اشاره کرد که صراحتاً بیان می‌کند: «مسائل فراوانی می‌تواند مورد گفتگوی دو دولت قرار گیرد؛ اما بنای من بر این است که در ابتدا موضوع هسته‌ای است که می‌تواند آزمایش مهمی برای دو دولت و تأمین منافع مشترک باشد، اگر موضوع هسته‌ای به حل و فصل نهایی برسد، راه برای موضوعات متعدد باز می‌شود» (Exclusive: Iranian President on Nuke Deal, 2013).

ب. تأکید بر دکترین برد - برد: در برداشت جدید در حوزه مدیریت مسئله هسته‌ای تأکید بر «دکترین برد - برد» و یا «استراتژی تأکید بر منافع متقابل ایران و آمریکا» با طرف مذاکره‌کننده بر اساس رویکرد هزینه فایده است. در پرتو همین نگاه است که در سیاست جدید تأمین منافع طرف مقابل نیز در چارچوب استراتژی «امتیازگیری و امتیازدهی»، «محدودسازی متقابل» و «تأکید بر منافع مشترک» به خصوص در ارتباط با دولت آمریکا در نظر گرفته می‌شود. در همین زمینه رییس‌جمهور روحانی بیان می‌کند که: «باید همه بدانند که مذاکره به مفهوم خواندن بیانیه‌ها نیست بلکه به معنای بده‌بستان است ما در مذاکره به دنبال آن بودیم که بر مبنای منافع و مصالح ملی بده‌بستان عادلانه داشته باشیم. همواره تأکید کردیم نتیجه این مذاکرات برد - باخت نخواهد بود. هر مذاکره‌ای اگر به صورت برد - باخت باشد پایدار نیست. مذاکره پایدار مذاکره‌ای است که برای دو طرف نتیجه برد - برد داشته باشد» (سخنان روحانی با اعضای کابینه، ۲۴ تیر ماه ۱۳۹۴).

در تأکید بر مفید بودن دکترین برد - برد در حل مسئله هسته‌ای محمدجواد ظریف نیز بر این باور است که آنچه مانع از حل این مسئله میان ایران و غرب در طول دهه گذشته شده است، داشتن نگاه برد و باخت و تأکید دو طرف بر منافع یکجانبه بوده است؛ این در حالی است که اگر تأکید بر منافع متقابل می‌شد مسلماً نتیجه دیگری حاصل می‌شد (Zarif, 29 September 2013).

پ. ترغیب دیگری به دادن پاسخ مثبت به رویکرد تعاملی ایران: در برداشت جدید نخبگان سیاست خارجی نه تنها در مواضع اعلامی خود به تمایل با تعامل با اعضای

غربی نظام بین‌الملل به خصوص آمریکا اذعان می‌کنند بلکه از طرف غربی نیز می‌خواهند به تقاضای تعامل پاسخ مثبت دهد. در همین زمینه رییس‌جمهور روحانی بیان می‌کند که:

«به همتایان خود توصیه می‌کنم از فرصتی که انتخابات اخیر ایران فراهم کرده استفاده کنند. به آنها توصیه می‌کنم از اختیاری که مردم برای تعامل محتاطانه به من داده‌اند استفاده کنند و به تلاش‌های دولت من برای به جریان انداختن گفتگمانی سازنده، صادقانه پاسخ دهند» (روحانی، ۱۳۹۲/۰۶/۲۹).

۴. تحلیل نتایج تغییرات ادراکی سیاست‌گذاران دولت روحانی در حوزه هسته‌ای

تغییرات ادراکی سیاست‌گذاران و نخبگان تصمیم‌گیرنده در سه حوزه نام برده شده، دارای نتایج زیر در حوزه هسته‌ای و چگونگی مدیریت این مسئله در دوران ریاست جمهوری روحانی بوده است:

۴-۱. غیرامنیتی‌سازی از مسئله هسته‌ای

نویسندگان امنیتی معمولاً غیرامنیتی‌سازی را به معنای برگرداندن یک موضوع به قلمرو سیاست‌های معمول و قابل مذاکره تعریف می‌کنند (Waeber, 1993). در سیاست جدید دولت روحانی در نتیجه برداشت متفاوت نخبگان تصمیم‌گیرنده فرایند غیرامنیتی‌سازی مسئله هسته‌ای در دستور کار تصمیم‌گیران سیاست خارجی قرار گرفته و این مسئله به عنوان یک موضوع سیاسی و نه به عنوان موضوعی امنیتی بازنمایی می‌شود. نمود بارز این مسئله را می‌توان در انتقال پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه و مهم شدن نقش وزیر امور خارجه به جای دبیر شورای عالی امنیت ملی مشاهده کرد.

۴-۲. تغییر در شیوه مدیریت و چگونگی حل مسئله هسته‌ای

طبق برداشت جدید مذاکره واقعی و مؤثر به عنوان ابزار اصلی حل و فصل موضوع هسته‌ای در نظر گرفته می‌شود. در همین زمینه آقای روحانی بیان می‌کند: «ما باید به صورتی شفاف آنچه را می‌خواهیم از طریق مذاکره مشخص کنیم و اراده سیاسی را نیز برای عملی شدن آن، به خدمت بگیریم. این ماهیت اصلی راهبرد من برای تعامل

سازنده با جهان است» (29 Iran Under Rouhani, FT Interview: Hassan Rouhani, 29) (November 2013).

۳-۴. تغییر در شیوه چینش اخبار

نخبگان سیاست خارجی بر اساس برداشت‌های خود از واقعیت بیرونی، در انتخاب یک گزینه سیاست خارجی نسبت به سایر گزینه‌های بدیل، اخبار و اطلاعات مربوط به آن تصمیم را به گونه‌ای چینش می‌نمایند که به جای تأکید بر آثار منفی آثار مثبت آن گزینه به نمایش درآید (Levi, 1994, p. 280). بنابراین در حوزه هسته‌ای نیز تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی دولت روحانی در جهت توجیه سیاست جدید خود بر روایات و تفاسیر خاصی از واقعیت موجود و مرتبط با این مسئله تأکید می‌کنند. مهم‌ترین واقعیت موجود و مرتبط با حوزه هسته‌ای، توافق هسته‌ای بود که نخبگان تصمیم‌گیرنده جدید در کنار روایت‌هایی که در داخل نظام سیاسی ایران این توافق را توافقی بد و برخلاف منافع ملی ایران بیان داشتند. بر منافع حاصل شده از این توافق تأکید می‌کردند. در همین زمینه حسن روحانی در دفاع از نتایج مثبت برجام با بیان اینکه دوران مسابقه برای تحریم کردن ایران از سوی قدرت‌های بزرگ جای خود را به مسابقه برای تفاهم با ایران داده، خطاب به مردم اعلام می‌کند:

«در این مذاکرات چهار هدف را دنبال می‌کردیم، حفظ توانمندی و فناوری هسته‌ای، لغو تحریم‌های غیرانسانی، لغو کلیه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و خارج کردن پرونده هسته‌ای ایران از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد که در توافق امروز هر چهار هدف حاصل شده است... امروز روزی است که از لحاظ تاریخی، کشورهای بزرگ جهان، فعالیت هسته‌ای ایران را به رسمیت شناختند. امروز روزی است که بعد از ۱۲ سال کشورهای قدرتمند جهان اعلام کردند که در زمینه فناوری هسته‌ای و فناوری‌های مدرن به ایران کمک خواهند کرد» (مصاحبه تلویزیونی روحانی با مردم، ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴).

۴-۴. تغییر در انتخاب گزینه‌های موجود (از تعارض تا تعامل)

در مورد انتخاب گزینه تحدید فعالیت‌های هسته‌ای از سوی ایران می‌توان به متن برجام

اشاره کرد طبق این موافقت‌نامه محدودیت‌هایی بر برنامه هسته‌ای این کشور ایجاد شد، از جمله طبق بند ۲۸ دولت ایران پذیرفت سطح غنی‌سازی خود را به مدت ۱۵ سال در سطح ۳/۶۷ درصد حفظ نماید، طبق بند ۴۵ توافق پذیرفت که به مدت ۱۵ سال در سایت هسته‌ای فوردو هیچ‌گونه فعالیت غنی‌سازی اورانیوم نداشته باشد و طبق بند ۵۶ نیز دولت ایران متعهد شد ذخیره غنی‌سازی اورانیوم خود را تا حد ۳۰۰ کیلوگرم نگه دارد. از دیگر موارد تحدید می‌توان به قبول گزینه «شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای» از سوی ایران اشاره کرد که مطابق با بند ۷۰ موافقت‌نامه دولت ایران به مدت ۱۵ سال به آژانس اجازه پایش مداوم فعالیت‌های هسته‌ای و دسترسی منظم به سایت‌های هسته‌ای را در جهت راستی‌آزمایی داد (Hannay and Pickering, 2017, p. 158).

شکل شماره (۳): گزینه‌های موجود ایران در حوزه تصمیم‌گیری هسته‌ای

گزینه تسلیم: تعلیق کامل مراکز هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم، خاتمه دادن به تحقیقات مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای و پذیرش بی‌قید و شرط خواسته‌های بین‌المللی

گزینه تحدید: محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای، کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم، شفافیت‌سازی، تحدید مقدار ذخیره اورانیوم غنی شده، اجرای پروتکل الحاقی و تأکید بر بده‌بستان در مذاکرات هسته‌ای و همکاری متقابل در حوزه صنعت هسته‌ای

گزینه تعارض و تقابل: تهدید به خروج از NPT، ادامه روند غنی‌سازی نامحدود اورانیوم، بی‌اعتبار خواندن قطعنامه‌های بین‌المللی، تأکید بر منافع یکجانبه در مذاکرات هسته‌ای، تأکید بر خوداتکالی هسته‌ای و نپذیرفتن همکاری‌های هسته‌ای

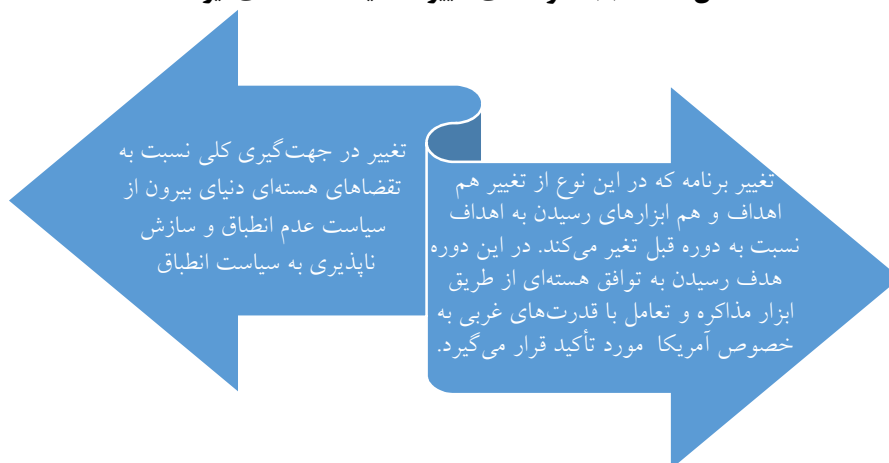
(طراحی توسط نویسنده)

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین بخش‌های سیاست خارجی کشورهای دارای توانمندی هسته‌ای و یا کشورهایی که خواهان کسب این توانمندی هستند، سیاست هسته‌ای آن کشورها در قبال دنیای بیرون می‌باشد، سیاستی که می‌تواند در قبال درون‌دادهای ناشی از محیط و

نظام بین‌الملل (در قالب تقاضا و یا حمایت) به صورت انطباق‌گرایانه و یا غیرانطباق‌گرایانه درآید. با شروع دوره ریاست‌جمهوری آقای حسن روحانی گفتمان تازه‌ای در عرصه مدیریت سیاست خارجی شکل گرفت. در پاسخ به سؤال چرایی و چگونگی تغییر در سیاست هسته‌ای ایران می‌توان با تکیه بر سطوح مختلف ساختار کارگزار و از منظر تئوری‌های مختلف روابط بین‌الملل و تجزیه و تحلیل سیاست خارجی تحلیل‌های متفاوتی ارائه کرد. از میان رهیافت‌های نظری گوناگون این مقاله علت اصلی تغییر در رفتار سیاست خارجی ایران در حوزه هسته‌ای را از منظر سطح تحلیل خرد و نقش کارگزاری با تکیه بر رویکرد فردگرایی تفسیری مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که علت اصلی تغییرات در سیاست هسته‌ای دولت روحانی را بایستی در تغییر ادراکی و برداشتی تصمیم‌گیران اصلی سیاست خارجی از جمله شخص رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه و تصاویری که این افراد از خود، سایر کنشگران و عوامل ساختاری نظام بین‌الملل نسبت به دوره قبل دارند، جست‌وجو کرد. این تغییرات ادراکی در سطح ذهن کنشگران منجر به تغییراتی در عرصه تصمیم‌گیری مربوط به حوزه هسته‌ای نیز شد که می‌توان این تغییرات را در دو سطح (مانند آنچه در شکل شماره ۴ آمده) مورد بررسی قرار داد:

شکل شماره (۴): حوزه‌های تغییر در سیاست هسته‌ای ایران



منبع: (طراحی توسط نویسنده)

یادداشت‌ها

1. Perception and Cognition
2. Cognitive Map and Self Image
3. National Self Esteem
4. Status Seeker
5. Status Maintainer
6. Conceptual Complexity
7. Ontological Security
8. Cognitive Process
9. Perceptions and Misperceptions

کتابنامه

- پوراحمدی، حسین و بازوندی، علی اکبر (۱۳۹۷). «تحلیل توافق هسته‌ای برجام بر اساس استعاره بازی دو سطحی»، *سیاست جهانی*، ۷(۳)، ۱۲۰-۷۹.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۵). «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام»، *مطالعات راهبردی*، ۱۹(۲)، ۱۵۸-۱۳۱.
- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۶). «برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۱(۱)، ۷۳-۵۱.
- روحانی، حسن (۱۳۹۰). *امنیت ملی و سیاست هسته‌ای*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- زمانی، محسن و نیاکویی، امیر (۱۳۹۸). «واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۴۵(۲)، ۱۲۰-۹۵.
- سخنان تلویزیونی روحانی با مردم (۱۳۹۴/۰۱/۱۴). برگرفته از: <http://www.President.ir>
- سخنان روحانی با اعضای کابینه (۱۳۹۴/۰۴/۲۴). برگرفته از: <http://www.President.ir>
- سخنان روحانی در جمع دانشجویان (۱۳۹۲/۱۰/۱۵). برگرفته از: <http://www.President.ir>
- ظریف، محمدجواد (۱۳۹۳/۱۲/۲۵). www.mfa.ir/index: 294614.
- ظریف، محمدجواد «برنامه‌های من برای وزارت امور خارجه» (۱۳۹۲/۰۵/۱۵). برگرفته از: <http://www.irdiplomacy.ir>
- ظریف، محمدجواد «مصاحبه تلویزیونی» (۱۳۹۲/۰۵/۳۱). برگرفته از: www.iranreview.org
- متن سخنان روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل (۱۳۹۲/۰۷/۰۳). برگرفته از: <http://www.President.ir>
- متن مصاحبه کامل روحانی (۱۳۹۴/۰۴/۲۳). برگرفته از: <http://www.President.ir>
- متن سخنرانی آقای روحانی (۱۳۹۲/۰۶/۲۹). برگرفته از: <http://www.president.ir>
- موسوی‌نیا، رضا (۱۳۹۷). «بازاندیشی در روش تلفیقی: مطالعه موردی رویه تصمیم‌گیری ایران

در برجام»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲۷(۳)، ۹۰-۶۷.

- Axelrod, Robert (1976). *Structure of Decision: The Cognitive Maps of Political Elites*. Princeton: Princeton University Press.
- Carlsnaes, Walter (1992). The Agency- Structure Problem in Foreign Policy Analysis. *International Studies Quarterly*. 36(3), 245-270.
- Cast, Alicia D. and Burke, Peter J. (2002). "A Theory of Self-Esteem". *Social Forces*. 80(3), 1041-1068.
- Clunan, Anne L. (2009). *The Social Construction of Russia's Resurgence: Aspirations, Identity and Security Interests*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Couloumbis, Theodore A and Wolfe, James Hastings (1990). *Introduction to International Relations: Power and Justice*. Englewood Cliffs: Prentice Hall.
- Einhorn, Robert and Nephew, Richard (2016). "The Iran Nuclear Deal: Prelude to Proliferation in the Middle East?", *Arms Control and Non-Proliferation Series*. paper 11, 1-74.
- Exclusive: Iranian President on Nuke Deal, Full Interview*. (2013, September 25) Retrieved September 25, 2013 from <https://edition.cnn.com/iran-president-hassan-rouhani-full-intervie>.
- Foster, Dennis M. and Keller, Jonathan W. (2014). "Leaders Cognitive Complexity, Distrust and Diversionary Use of Force", *Foreign Policy Analysis*. 10(3), 205-223.
- Foyle, Douglas (2003). "Foreign Policy Analysis and Globalization: Public Opinion, World Opinion and the Individual", *International Studies Review*. 5(2), 155-202.
- Gecas, Viktor (1982). "The Self Concept", *Annual Review of Sociology*. 8(2), 1-33.
- Gustavson, Jakob (1999). "How Should We Study Foreign Policy Change?", *Cooperation and Conflict*. 34(1), 73-95.
- Hannay, David and Pickering, Thomas R. (2017). "Building on the Iran Nuclear Agreement", *Survival*. 59(2), 153-166.
- Hansen, Lene (2012). "Discourse Analysis, Post structuralism and Foreign Policy. In Steve Smith, Amelia Hadfield and Tim Dunne (Eds)", *Foreign Policy: Theories, Actors, Cases*. 94-109. Oxford: Oxford University Press.
- Holsti, Kall J. (1970). "National Role Conceptions in the Study Foreign Policy", *International Studies*. 14(3), 233-309.
- Hudson, Valerie M. (2005). "Foreign Policy Analysis: Actor- Specific Theory and the Ground of International Relations", *Foreign Policy Analysis*. 1(1), 1-30.
- Hudson. Valerie M. (2012). The History and Evolution of Foreign Policy Analysis. In S. Smith, A. Hadfield, and Dunne, (Eds), *Foreign Policy: Theories, Actors and Cases*. 13-34. Oxford: Oxford University Press.
- Iran under Rouhani, FT Interview* (2013, November 29). Retrieved November 29, 2013 from <https://www.ft.com/stream/8dff4dce-063e-4c4f-9326-a966aff3ad7>.
- Jervis, Robert (1976). *Perception and Misperception in International Politics*. Princeton: Princeton University Press.
- Katzenstein, Peter (1996). *The Culture of National Security*. New York: Columbia University Press.
- Kerr, Paul K. and Katzman, Kenneth (2018). *Iran Nuclear Agreement and U.S. Exit*. Retrieved May 24, 2018 from <https://fas.org/sgp/crs/nuke/R43333.pdf>.

- Levi, Jack (1994). "Learning and Foreign Policy: Sweeping a Conceptual Minefield", *International Organization*. 84(2), 279-312.
- Mitzen, Jennifer (2006). "Ontological Security on World Politics", *European Journal of International Relations*. 12(3), 341-370.
- Noori, Vahid (2012). "Status Seeking and Iranian Foreign Policy: Content Analysis of the Speeches of the President at the UN", *Iranian Review of Foreign Affairs*. 3(1), 127-152.
- Rouhani, Hasan (2013, September 20). *Time to engage*. Retrieved November 20, 2017 from <http://www.washingtonpost.com>.
- Tabatabai, Ariane (2017, August 15). *Preserving the Iran Nuclear Deal Perils and Prospects*. Retrieved May 24, 2018 from https://papers.ssrn.com/sol3/Delivery.cfm/SSRN_ID3112788_code1953816.pdf.
- Waever, Ole and Buzan, Barry (1993). *Identity, Migration and and the New Security Agenda in Europe*. London: Printer.
- Wendt, Alexander (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Woolcock, Stephen and Bayne, Nicholas (2011). *The New Economic Diplomacy: Decision Making and Negotiation in International Relations Economy*. Aldershot: Ash gate Publishing.
- Zarif, Mohammad Javad (2013, September 29). *Interview with ABC*. Retrieved July 23, 2016 from <http://abcnews.Go.com>. Foreign Minister Zarif-201411932.

